

بامیلیونهارای در سراسر کشور شعار «جمهوری اسلامی تشکیل باید گردد» عملی شد



ملت به امام پاسخ آری داد

چند و چوونی پیرامون آرمان طلبی فصل انقلاب که کارکردی ویژه یافت

انسان انقلاب اسلامی، معرف هویت ایرانی



سیدجواد طاهایی
کارشناس علوم سیاسی

برای ایرانیان عظمت تجربه جنگ تحمیلی در شباهت‌های آن با تجربه‌های جنگی دیگر ملت‌ها قرار ندارد، بلکه در تمایز و یگانگی آن ریشه دارد و این یگانگی در انسان متمایزی نهفته است که در طی این دفاع مقدس روی نمود. انسانی که جسورانه، اتصال به مطلق را در زندگی دنیوی‌اش اراده کرد.

رزمنده داوطلب آرمان‌گرای شهادت‌طلب، انسان ویژه انقلاب ایران است که از زمان حال فراتر می‌رود؛ یعنی در دو سطح، هم گذشته ایران را معتادار می‌کند و هم آینده آن را تعیین می‌کند؛ فردی دارای امتدادی از ابتدای تاریخ کهن یکتاپرستی در ایران به این‌سو دارای حضوری در زمانه کنونی است. آنچنان که گویی همه چیز از قبل، پیرامون او و برای او شکل گرفته و مرتبط با او موجودیت یافته و در خدمت ظهور کنونی او بوده است و اینک اوست و فقط او که تمامیت ایران را برای ما قابل درک می‌سازد.

■ ویژگی‌های انسان انقلاب اسلامی

انسان انقلاب اسلامی، که با حیات کوتاه و مرگ بلند خود کارکردی ویژه یافته است. ازاین‌رو، ضروری است در تاریخ جدید کشور به عظمت فلسفی انسانی که زمانی به ظهور رسید، اندیشیده شود و مهم‌تر، باید آن را در زمان‌های مختلف به خود یادآور شد؛ انسانی واقعی که نظر به اراده تعقیب آرمان‌های بزرگ، ظرفیت آفرینش یک انسان فلسفی (استعلایی) یا یک انسان تحلیلی فوق‌العاده را در خود داشت و همچنان دارد. انگاره انسان انقلاب اسلامی به دلیل عمق تاریخی خود، بیان‌کننده و توضیح‌دهنده فلسفه ایرانی حیات یا فلسفه تاریخ قوم ایرانی است و به همین دلیل و به طریق اولی، همانا ایده بنیانگذار دولت جمهوری اسلامی نیز هست؛ یعنی اینکه به مدد فلسفه حیات و مرگ انسان انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی تاریخ ایران را معتادار می‌کند، نه تاریخ ایران جمهوری اسلامی را. در واقع، انسان انقلاب اسلامی پس از استعلا به سوی محتوای تاریخی ایران، یعنی پس از آنکه فحوی تاریخ ایران را آشکار ساخت، از

آن موضع، فلسفه دولت جمهوری اسلامی یا هویت آن را هم می‌سازد، یعنی ممکن می‌سازد که چیرستی نظام و فلسفه تأسیس آن با اتکا بر یک محتوای تاریخی واحد برای ایران (شوق اتصال به ایده مطلق یا به تعبیر ادبی-عرفانی امام خمینی، بهار وصل) تبیین شود.

به سخن دیگر، هر چند به لحاظ زمانی، جنگ تحمیلی پس از تأسیس نظام جمهوری اسلامی رخ داد، اما آرمانگرایی مردمی مندرج در جنگ تحمیلی، در درون خود حاوی فلسفه تأسیس نظام است. یعنی در این فلسفه، دلیل تأسیس نظام جمهوری اسلامی و معنی آن و اهداف آن هم نهفته است.

این حقیقت، خاص ایران نیست. جنگ‌های بزرگ اغلب حاوی معانی بزرگی هم بوده‌اند. آنها با اهمیت کمتری به گذشته مربوط بوده و بیشتر، پدیده‌هایی برای شکل دادن به آینده جوامع بوده‌اند. جنگ‌های ناپلئون حاوی ایده‌های مختلف ناپسونالیستی (ارتش ملی، دولت ملی، سرزمین ملی)، برابری لیبرالی، حکومت مردم و غیره بوده است. ازاین‌رو، جنگ‌های بزرگ بر فلسفه‌هایی بزرگ که عموماً ظرفیت ماندگاری دارند، استوار است.

برای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز یک فلسفه بزرگ، قابل تصور است. دفاع در برابر هجوم ارتش بعث که بی‌درنگ دو ویژگی مردمی و اعتقادی یافت و بدین گونه دارای معنا و فلسفه خاص خود شد. فلسفه‌ای بسیار قدرتمند و برانگیزاننده، مبنی بر اینکه معنا و محتوای اصلی جنگ را نباید در دلایل و بسترهای خارجی این تحول و نیز در زمینه‌های عینی و تجربی جست، بلکه به ترتیب، باید آن را در داخل کشور و در زمینه‌های معنوی و آرمانگرایانه‌اش یافت. چرا که آن بسترها و زمینه‌ها، صورت سازند نه معنا ساز.

از این دیدگاه، می‌توان فلسفه جنگ تحمیلی یا آرمانگرایی مردمی را باورهای خودجوش مردمی در خصوص دلیل ظهور انقلاب، معنای مقدس ظهور امام خمینی و تأسیس جمهوری اسلامی، دلیل دشمنی‌ها با انقلاب، اهداف آسمانی انقلاب و غیره دانست که مجموعاً شرایط زمان حال در نظام جمهوری اسلامی را زمینه‌ساز یک آینده مقدر یعنی ظهور

حضرت مهدی (عج) می‌داند. این باورهای مردمی عملاً به مثابه منبع تولید انگیزه برای دفاع از انقلاب و دولت در هر عرصه‌ای، خاصه عرصه جنگ عمل می‌کردند.

پس اولا فلسفه مردمی دفاع که مقدس انگاشتن آن دفاع را در خود دارد، در حکم ایده بنیادگذار نظام است و ثانیاً، چون به قول توکویل در کتاب مشهور دموکراسی در امریکا، دولت‌ها هیچ‌گاه از گهواره خودشان فاصله زیادی نمی‌گیرند و در هر تحول بزرگی به ایده‌های بنیادگذارشان رجوع می‌کنند و بدان حساس و متفطن می‌شوند، پس ایده بنیادگذار، ایده یا روایتی مداوم و مستمر و دارای زندگی و به همین دلیل دارای قدرت تعیین‌کنندگی و مشروط سازی امور به خود است.

■ انقلاب اسلامی نقطه عطف مبارزات استقلال طلبانه

تفکر بسیجی، نه به عنوان یک نیروی آشکار شکل دهنده، اما به عنوان یک نیروی پنهان که هدایت می‌کند و تغییر می‌آفریند، همواره در متن سیاست ایران وجود خواهد داشت. رمز ماندگاری و مهم‌تر از آن، ایجاد کنندگی قداست دفاع از کشور، (نه صرفاً دفاع از کشور) در سیاست ایران و در انتخاب‌های مهم سیاسی مردم، چیزی که در انگاره بسیجی شهید مضبوط است، در آن است که کارکرد ایده رزمنده شهید برای جامعه ایرانی، در واقع، انتقالی از تاریخ حیات فرهنگی در ایران به سوی وضعیت فعلی سیاست ایران است. خاطره یا داستان بسیجی شهید، روح دوران جدید سیاست ایران و هم‌زمان، سنگ بنای آن است.

به طور کلی، در ایران امروز یک دانایی بزرگ می‌تواند درک انسان جدیدی باشد که واقعه گون، در بهمن ۵۷ آفریده شد؛ انسانی که در متن یک اراده عمومی برای اتصال به حقیقت یا حضور در پیشگاه انسان کامل ظاهر شد. نام این اراده عمومی فراگیر را ایده ۵۷ می‌گذاریم. مهم نیست که ما این اراده عمومی دوران‌ساز را نهفته انقلاب ۵۷، بدانیم بپندیشیم که با واقعه انقلاب اسلامی ایران چه انسانی

پدید آمد و چگونه او، مای جدید را آفرید. بسیجی در پرتو واقعه (رخداد) درک می‌شود. واقعه در استقلالش از امر تاریخی، از تاریخ مشخص می‌شود؛ محصول شرایط تاریخی نیست و به قولی امر نابهنگام است. بسیجی نیز در قالب یک درک تاریخی (درکی متعلق به یک زمانه یا وضعیت خاص) تعریف نمی‌شود. او در عمل انقلابی و نظامی‌اش تمام نمی‌شود بلکه از آن آغاز می‌شود. اگر بسیجی در خلال تاریخ کوتاه جنگ و از طریق آن قابل درک نیست، در این صورت چگونه باید او را درک کرد؟ بسیجی کیست یا ایده (تفکر) بسیجی چیست؟ آیا این ایده، در حیات اجتماعی ایران ماندگاری و تداوم دارد؟ آیا ممکن است فراتر از تداوم و ماندگاری، تصور از فرد بسیجی تعیین‌کننده ادوار آتی سیاست ایران هم باشد؟ بحث چیرستی دفاع مقدس، ابعاد فلسفی دارد؛ ماندگاری آن ابعاد جامعه‌شناختی می‌یابد و تعیین‌کنندگی آن نیز دارای ابعاد سیاسی است.

■ رمز ماندگاری انسان طراز انقلاب اسلامی

اگر بسیجی، خاصه هنگامی که به شهادت پیوند می‌خورد، انسان ویژه یا یگانه تجسم بخش پیام‌های انقلاب اسلامی باشد، پس او انسانی است که فلسفه یا دلیل آغاز سیاست و اجتماع جدید ایران را در خود نهفته دارد. ازاین‌رو باید نتیجه گرفت که رمز ماندگاری نظام جمهوری اسلامی و شرط تداوم یا زوال آن، در عقاید، ترجیحات، گسست‌ها و پیوست‌ها و خلاصه در زندگی و مرگ همین انسان نوعی، انسان تراز نوین انقلاب اسلامی، نهفته است.

از آثار عینی و نتایج سیاسی این انسان آرمانی ایران، این اراده گر به چیز بزرگ که با انقلاب به بود رسید، با جنگ تحمیلی به نمود و با مرگ به خلود، نباید چشم شست. جاودانگی دنیوی یا خلود این جهانی رزمنده آرمانگرایی شهید در جامعه و بنابراین، در سیاست ایران، موضوعی بحث شایسته تعمق بیشتری است. اگر به این مهم پرداخته نشود جامعه ایران بی‌خاطره می‌شود

و دلیل هستی جدید آن و شرایط کنونی‌اش ناگفته و درست‌تر، بدون تعقل باقی می‌ماند. اگر نسبت جامعه متأخر ایرانی با تجربه جنگ تحمیلی بررسی نشود، تمایل شدید این جامعه و نسل‌های جدیدتر آن به اشتغال و اتصال به هویت جدید خود اجابت نمی‌شود. این گرایشی طبیعی است که بخواهیم آن چیزهایی را که زندگی کرده‌ایم و آن را احساس و تجربه کرده‌ایم، به حوزه شناخت یا آگاهی و تعقل خود وارد کنیم و اگر چنین نکنیم، به داشتن تجربیاتی ناقص بسنده کرده‌ایم. اتکا به درک ناقص و اولیه، خلاف ذاتیات فهم انسانی است. هیچ یک از پدرانندگان به مقوله جنگ در کشور ما در موضوعات مختلف هنری، ادبی و غیره، قصدشان فقط تولید همان اثر ادبی-هنری نبوده، بلکه هر کدام به شیوه‌ای می‌خواسته‌اند و می‌خواهند حقیقت ژرف دفاع مقدس را به مردم خود و نسل‌های بعد ابلاغ کنند. ازاین‌روست که تقریباً همگان به ضرورت شناخت عقلی یا فلسفی

■ سال بیست و هشتم
■ شماره ۷۸۴۴ ■ دوشنبه
۱۸ بهمن ۱۴۰۰

ایران

ویژه انقلاب

چرا انقلاب شد؟ و چرا انقلاب ایران «اسلامی» شد؟

تحلیل «انقلاب هویتی و هویت انقلابی» در میزگردی با حضور موسی نجفی، یحیی فوزی، سید جواد میری و محمدعلی فتح‌اللهی

انسان انقلاب
اسلامی، معرف
هویت ایرانی

«پیش تمدنی»

ما آسیب
دیده‌ایم

چرایی
وقوع جنگ
پس از پیروزی
انقلاب اسلامی

تلاشی برای یافتن

کلیدی ترین پرسش

پیرامون دلیل تحمیل

جنگ ۸ ساله از سوی

عراق به ایران انقلابی

اهداف دشمنان در تضعیف ارتش پس از انقلاب اسلامی ایران



■ می‌توان فلسفه جنگ تحمیلی یا آرمانگرایی مردمی را باورهای خودجوش مردمی در خصوص دلیل ظهور انقلاب، معنای مقدس ظهور امام خمینی و تأسیس جمهوری اسلامی، دلیل دشمنی‌ها با انقلاب، اهداف آسمانی انقلاب و غیره دانست که مجموعاً شرایط تاریخی ایران را در خود نهفته دارد. ازاین‌رو باید نتیجه گرفت که رمز ماندگاری نظام جمهوری اسلامی و شرط تداوم یا زوال آن، در عقاید، ترجیحات، گسست‌ها و پیوست‌ها و خلاصه در زندگی و مرگ همین انسان نوعی، انسان تراز نوین انقلاب اسلامی، نهفته است.

روندهای سیاسی معارض با خود معنا ببخشد و آن را قابل فهم کند. آرمانگرایی مردمی انقلاب اسلامی که خاصه در وجود بسیجیان شهید متبلور شده بود، از آنجا که واقعیتی پشتت ایرانی و بومی است، یعنی دارای عمق زیست شده، حوزه‌ای وسیع و نافذ و دارای حساسیت‌مندی است، نمی‌تواند در دوران آیت‌الله خامنه‌ای تداوم نداشته باشد؛ خاصه آنکه تحولات زمانه پیاپی این آرمانگرایی ساده و مردمی را در نیروی اجتماعی نهفته آن می‌افزاید. این نیروی اجتماعی از آن رو نهفته است که فعلاً آتش‌زنه‌ای برای تبلور آن وجود ندارد. این آرمانگرایی مردمی یا فلسفه بسیجی بودن، چون فلسفه‌ای مردمی است، پس ساده است و چون ساده است، به سهولت قابل درک و جذب است. قابلیت گسترده‌تری در میان لایه‌های اجتماعی متعدد را دارد و چون چنین است، دلیلی برای مرگ ندارد.

دفاع مقدس باور دارند. برخلاف دولت‌های لیبرال-دموکرات غربی، رمز ثبات و هستی دولت جمهوری اسلامی ایران کمتر در عملکرد موفق و کارآمدی و رفاه آفرینی آن و بیشتر در داستان تأسیس و خاطره‌اش نهفته است. در این خاطره، یک دولت با پرنسیپ (جانمایه) به یک اجتماع تاریخی اتصال می‌یابد و بدین‌سان بخشی از تمامیت تاریخی آن می‌شود و عمیق‌ترین انبان مشروعیت برای یک دولت، مشروعیتی در عرصه‌های ناخودآگاه جمعی، شکل می‌گیرد. نیرو و عامل ظهور این اتصال، ایده بسیجی شهید (ایرانی آرمانگرایی پاکباز) است. همچنان که با مرگ قهرمانی، فرد به انگاره‌ای جاودانه یا داستانی ماندگار بدل می‌شود، بسیجی نیز به مرگی که بیشتر بدان می‌اندیشید و بدان خو کرده بود، به اوج حضور دنیوی خود، خاصه در عرصه سیاست ایران می‌رسد؛ یعنی به تعیین‌کنندگی و ایجادگری سیاسی؛ تا به آن حد که حتی به فراموشی یا تضعیف شدن خود نیز می‌تواند به